

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۰

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۳ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۴

صص ۲۸-۳

بررسی تطبیقی کارکرد اجتماعی دین در قرآن و عهد جدید

عباس اشرفی^۱ و سهیلا رضایی^۲

چکیده

میل فطری و غریزی به شناختن حقایق و اطلاع از واقعیت‌ها که فطرت حقیقت جویی یا حس کنجکاوی نامیده می‌شود، و از آغاز کودکی در هر انسانی شروع می‌شود و تا پایان عمر ادامه دارد، نخستین عاملی است که انسان را برای بررسی همه مسایل و از جمله مسایل دینی و شناختن دین حق بر می‌انگیزاند. این مقاله با هدف استخراج نگاه دینی به مقوله کارکرد اجتماعی دین تدوین شده و در آن کارکرد اجتماعی دین در قرآن و عهد جدید و مقایسه آنها به دور از هر گونه پیش داوری و تعصب و به روش توصیفی - استنادی از نوع دین شناسی تطبیقی بررسی شده است. کارکرد اجتماعی در دین اسلام بسی گسترده‌تر و کامل‌تر؛ هم در زمینه ایجاد امنیت اجتماعی و هم در برقراری عدالت اجتماعی، بیان شده است.

dr_a_ashrafi@yahoo.com

۱- استادیار دانشگاه و عضو انجمن قلم ایران

۲- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

واژه‌های کلیدی: بررسی تطبیقی، کارکرد دین، قرآن، کتاب عهد جدید

مقدمه

یکی از کاربردهای مهم دین این است که مایه سعادت آدمی است. دین در تمام افراد و در همه زمان‌ها بیش از هر چیز دیگری مؤثر است، زیرا تنها راه سعادت بشر است. صلح و آرامش تنها در سایه دین به وجود می‌آید و باعث پیشرفت نهضت‌ها می‌گردد. بنابراین، تلاش برای شناختن دین حق که شامل جهان بینی و ایدئولوژی صحیح است ضرورت دارد، و بدون رسیدن به کمال انسانی، میسر نخواهد بود.

با توجه به این که در حوزه دین پژوهی، مقصود از کارکرد دین، مطلق خدمات و آثار دین در جامعه مد نظر است، و این که انسان موجودی اجتماعی است، لذا با بررسی تطبیقی کارکرد اجتماعی دین در قرآن و عهد جدید سؤالی که مطرح می‌شود این است که: این کارکردها چه است؟ و چه مفهومی می‌تواند در این جوامع داشته باشد؟ ماهیت این تحقیق مطالعه تطبیقی است. به این ترتیب که ابتدا آیات مربوط به قرآن کریم و عهد جدید استخراج و موضوعات اصلی و فرعی آنها مشخص گردید، سپس با مراجعه به کتب تفسیری و سایر کتب ادیان، با روش تحقیق متنی و معناشناسی، این آیات مورد بررسی قرار گرفت.

در نهایت باید دانست که امر اجتماعی، کاربردهای گوناگونی دارد:

- ۱- پدیده‌ای که منشا آن، خاستگاه جامعه است، مانند آداب و رسوم اجتماعی.
- ۲- امری که رسالت آن، جامعه را نیز شامل می‌شود، یعنی از فرد، فراتر می‌رود. مثل حیات و مرگ

۳- نهادی که در زمینه جامعه ظاهر می‌شود و بدون جمع، بی معنا و نامفهوم است، مانند ازدواج، معامله و ...

اگر منظور از اجتماعی بودن دین در اینجا، مورد دوم باشد که دین، شامل فرد و جامعه است، امری صحیح است. اما اگر منظور، نظر سوم باشد، بدین معنا که بشر، نیازی است که

جامعه برای ارضای آن نهاد، دین را به وجود آورده، باز هم مورد قبول نیست، چون دین از دستگاه ماورایی و غیب، وحی شده و به وسیله رسولان الهی به بشر ابلاغ شده است. (نجفی علمی، محمدجعفر، ۱۳۷۱: ۲۹۰-۲۸۹)

چنانچه مقصود، نظر اول باشد، به این معنا که انسان‌ها هنگام برگزاری مراسمی جمعی، شور و نشاط زایدالوصفی پیدا می‌کنند که از خود، بی خود می‌شوند و تصور می‌کنند با عالمی برتر و ماورایی مرتبط شده‌اند و آن را خدا و طریقه او را «دین» می‌شناسند و گرنه، خدایی در عالم خارج وجود ندارد (که نظر برخی از جامعه‌شناسان از اجتماعی بودن دین، همین است) باید در پاسخ گفت: این تحلیل، علاوه بر این که نظریه‌ای علمی نیست، چون مبتنی بر معیارهای علوم تجربی هم نیست و تنها توجیهی سطحی از مشاهده چند مورد از برگزاری مراسم جمعی و سنتی در برخی قبایل است، بایستی ادیان و مومنین به آنها را تنها در مراسم جمعی جستجو کرد! (همان: ۲۹۰-۲۸۹)

از سوی دیگر، چنانچه دین به دنبال مناسک و عبادات فرد برود ضایع و باطل می‌گردد و حال آن که چه بسیار که ادیان، پیروان خود را به خلوت‌گزینی با معبود و دور از غوغای جامعه تحریص و ترغیب می‌نماید. به عنوان نمونه در آیه ۱۷ آل عمران آمده است:

«الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» [اینانند] شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق‌کنندگان و آمرزش‌خواهان در سحرگاهان»

همچنین در آیه ۱۹۱ آل عمران بر این مسأله تاکید شده:

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ: همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که: پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار].»

مشخص شده است که هنگام خواب، از جامعه خبری نیست. (همان: ۲۹۰-۲۸۹)

کوشش جمعی پیروان یک دین در جامعه نشانه‌های عمیق می‌نهد. پیروان برخی از دین‌ها که به باورهای خود یقین دارند کارشان به خشک اندیشی و نابردباری دیگران می‌کشد. که گاه به کشورگشایی و جنگ خانگی هم می‌انجامد. (میشل مالرب، ۱۳۷۹: ۴۲۹)

«دور کهیم» نیز کارکرد دین را همبستگی اجتماعی می‌داند و می‌گوید: «مناسک دین برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما، به همان اندازه ضروری‌اند که خوراک برای نگه داشتن زندگی جسمانی ما ضرورت دارد، زیرا از طریق همین مناسک است که گروه خود را تایید و حفظ می‌کند» (ملکم، همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۹)

کارکرد اجتماعی در قرآن

ایجاد امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به معنی این است که جان، مال، آبرو و موقعیت اجتماعی شخص از جانب عوامل اجتماعی است. یعنی از جانب افراد گروه‌ها و حکومت و قانون و جان و مال و آبرو و موقعیت اجتماعی فرد مورد تهدید و خطر قرار نگیرد.

بدین ترتیب، امنیت اجتماعی عبارت از حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیر قانونی دولت یا دستگاهی یا فردی یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید می‌آورد. انسان موجود مدنی و اجتماعی است. از طرف دیگر، عامل عقلانی و اختیاری در انتخاب زندگی اجتماعی مؤثر است، بدین معنا که انسان چون در زندگی اجتماعی منافی برای خویش می‌طلبد و نیازهای مادی و معنوی اش بدون زندگی اجتماعی تامین نمی‌شود، به زندگی اجتماعی تن می‌دهد و شرایط آن را می‌پذیرد. (شریف القریشی، باقر، ۱۳۶۲: ۱۲)

امنیت اجتماعی ایجاد شرایط و موقعیتی که بر اساس آن همه افراد جامعه در انجام فعالیت‌های مشروع و قانونی خود آزادی کامل داشته و از امکانات جامعه یکسان برخوردار باشند و همه افراد در موقعیت برابر قرار گیرند و این از نیازهای طبیعی بشر در زندگی اجتماعی است که از امنیت لازم در روابط اجتماعی برخوردار باشند. (مجله شهرداری‌ها، ش ۴۱: ۶۲)

اسلام می‌خواهد در جامعه امنیت کامل حکم فرما باشد:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَ مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (حجرات/۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از این ها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آنها از این ها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقب‌های زشت می‌دهید، چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نور/۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید.

جامعه‌ای که بدون امنیت باشد، از آسایش و آرامش بر خوردار نخواهد بود و نشاط و تلاش از آن رخت برمی‌بندد، در ناامنی اجتماعی اقتصاد فرو می‌پاشد و حوزه فرهنگی گرفتار سکون می‌شود. حضرت علی (ع) یکی از ویژگی‌های جامعه جاهلی را فقدان امنیت اجتماعی شمرده و می‌فرماید: جامعه جاهلیت جامعه‌ای بود که اندیشمندان و آگاهان جامعه دهانشان بسته و نادانان و انسان‌های بی‌هویت مورد احترام بودند. امنیت، نخستین و مهم‌ترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است:

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا (کهف/۹۲-۹۴) باز راهی را دنبال نمود. وقتی به میان دو سد رسید، در برابر آن دو [سد]، طایفه‌ای را یافت که نمی‌توانستند هیچ زبانی را بفهمند. گفتند: «ای ذو القرنین، یأجوج و مأجوج سخت در زمین فساد می‌کنند، آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدّی قرار دهی؟»

ذوالقرنین برای فراهم آوردن امنیت نسبت به قومی که مورد تهدید قرار گرفته بود پر زحمت ترین کارها را بر عهده گرفت و برای جلوگیری از مفسدان از نیرومندترین سدها استفاده کرد. سدی که در تاریخ ضرب المثل شده، و سمبل استحکام دوام و بقاست. از این رو حضرت ابراهیم (ع) هنگامی که بنای کعبه نخستین چیزی که از خدای برای آن سرزمین تقاضا کرد نعمت امنیت بود.

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ (۳۵) و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا، این شهر را ایمن گردان، و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. (ابراهیم / ۳۵)

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ. (نحل / ۱۱۲) و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می رسید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.

کسانی که می خواهند سرزمینی آباد، و آزاد و مستقل داشته باشند باید قبل از هر چیز به مسأله امنیت بپردازند. پس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار سازند و به دنبال آن چرخ های اقتصادی را به حرکت در آورند. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ش، ج ۱۱ ص ۴۳۳)

یکی از عوامل احساس امنیت روانی، توحید و ایمان خالص است که در این زمینه قرآن می فرماید:

وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَ لَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَآيُ الْقَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ (انعام / ۸۱-۸۲): و چگونه از آنچه شریک [خدا] می گردانید بترسم، با آنکه شما خود از اینکه چیزی را شریک خدا ساخته اید که [خدا] دلیلی درباره آن بر شما نازل نکرده است نمی هراسید؟ پس اگر می دانید، کدام یک از [ما] دو دسته به ایمنی سزاوارتر است؟

کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان راست‌ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند.

برقراری عدالت اجتماعی

در مسایل اجتماعی و همبستگی‌های اجتماعی آن اصلی که مادر همه اصل‌هاست، عدالت است. عدالت یعنی؛ رعایت حقوق افراد دیگر، مشکلی که بشر، هم در اخلاق دارد و هم در اجتماع، از جنبه اجرایی این‌هاست. یعنی هیچ‌کس نیست که اخلاق را نشناسد و یا نداند که عدالت تا چه اندازه ضرورت دارد. مشکل کار در مرحله اجراست، آن وقتی که انسان می‌خواهد یک اصل اخلاقی و یا عدالت را رعایت کند، می‌بیند منافعتش در طرف دیگر است؛ این جاست که می‌بینیم بشر که دم از اخلاق و عدالت می‌زند، پای عمل که می‌رسد ضد اخلاق و ضد عدالت عمل می‌کند. آن چیزی که پشتوانه اخلاق و عدالت است و اگر در انسان وجود پیدا کند به سهولت راه اخلاق و عدالت را در پیش می‌گیرد و سود را کنار می‌زند تنها ایمان است، ایمان به خود عدالت و ایمان به خود اخلاق. اخلاق و عدالت بدون ایمان مذهبی مانند نشر اسکناس بدون پشتوانه است. (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰: ۱۸)

مردم همه در برابر یکدیگر مسؤول هستند و نباید در مقابل ظلم و بی‌عدالتی آرام بنشینند. همه به اندازه آگاهی و لیاقت خود حق دخالت در سرنوشت اجتماعی جامعه را دارند. اسلام به آن اندازه در اجرای عدالت و برابری انسان‌ها کوشید که می‌توان عامل مهم نفوذ و گسترش اسلام را عدالت و آزادی آن دانست و این مطلب در تاریخ سیاسی پیشرفت‌های اولیه اسلام به خوبی مشهود است. (با هنر، محمد جواد، ۱۳۶۱: ۳۴)

هدف از بحث عدالت اجتماعی در اسلام، بیان آیات و روایاتی است که در قرآن کریم و پیشوایان معصوم در آنها به حفظ حقوق و مساوی بودن تمام مردم در برابر قانون و نفی تبعیض و استثمار و ظلم، فرمان داده‌اند. قرآن و اسلام، کتاب ودین عدالت هستند و در هیچ قسمت آن زیاده روی نمی‌توان یافت.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدید/۲۵): به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می کند. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است.

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (انبیاء/۴۷)

امر به معروف ونهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یک فریضه حیاتی است و از مهمترین واجبات اجتماعی دین اسلام است و دارای جایگاه والایی است. امام باقر(ع) فرموده اند: به وسیله امر به معروف و نهی از منکر راهها ایمن می شود. (وسائل الشیعه، ج: ۳۰۵۹)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (توبه/۷۱): و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و می دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

مؤمنات، برخی از آنها، ولی و دوست بعض دیگرند که امر به معروف ونهی از منکر می کنند و اقامه نماز و ایتاء زکوة می نمایند و خدا رسولش را اطاعت می کنند که مفهوم آن، این باشد که مومنان و مؤمنات از یک پیکرند و این ولایت از آنها اندام واحدی می سازد و معیار و مقوم این واقعیت، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز و ایتاء زکوة و اطاعت از

خدا و رسول است. (نجفی علمی، محمد جعفر، ۱۳۷۱: ۳۳) همان گونه که پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «مومنان در نیکی، مهربانی و دلسوزی به یکدیگر همچون بدن [واحد] است که هر گاه یک عضو از درد بنالد، سایر اعضا با بیداری و درد او را همراهی می‌کنند. (اهوازی، حسین بن سعید: ۳۹؛ ح ۹۲: علامه مجلسی، ۱۴۰۳.ه. ق، ج ۷۴: ۲۷۴، ح ۱۹) بدین ترتیب ممکن است آن وحدت الهی تحقق یابد. در تفسیر المیزان، جلد نهم، صفحه ۳۵۳ آمده است: «... تا دلالت نماید به این که ایشان در عین کثرت و تفرقشان از نظر عدد از ذکور و اناث، دارای کیانی واحد و متفق هستند که در آن، پراکندگی نیست و بدین جهت بعضی، امر بعض دیگر را تولی و تدبیر می‌کنند و بدین جهت برخی، برخی دیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند. پس دلالت بعض مجتمع بر بعض دیگر، ولایتی است، ساری و جاری در تمامی اجزا و اعضا.»

در سوره آل عمران، خداوند در مورد امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَكُوَّأْمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ. (آل عمران / ۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند باز می‌دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند.

تحکیم مبانی خانواده

خانواده به عنوان مرکزی‌ترین رکن یک جامعه و تمدن، ارتباط مستقیمی با سلامت جامعه دارد. اگر در جامعه‌ای خانواده، مستحکم و بنیانی صحیح داشت. پرورش فرزندان سالم و اجتماعی در آن امکان داشته و جامعه هم سالم و پیشرو خواهد بود. در این صورت دین بزرگترین نقش را در قوانین خانوادگی و ثبات آن ایفا می‌کند.

غریزه جنسی امانتی در دست انسان‌هاست. اگر از راه درست آن را ارضا کنند سبب سلامتی روانی و آرامش روحی انسان می‌شود، اما اگر از راه نادرست ارضا شود بیماری‌های

روحی و جسمی فراوانی در انسان به وجود خواهد آورد. که صحیح‌ترین راه ارضای این غریزه ازدواج می‌باشد، که یکی از راههای تحکیم بنیان خانواده است.

خدای متعال از ابتدای خلقت حضرت آدم(ع) و فرزندانش، همسرانی، از نفس خودشان آفرید. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ. (اعراف/ ۱۸۹) اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. پس چون [آدم] با او [حوا] در آمیخت باردار شد، باری سبک. و [چندی] با آن [بار سبک] گذرانید، و چون سنگین بار شد، خدا، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود.

تا در سایه ازدواج با آن‌ها هیجان‌ات و جوشش‌های غریزه جنسی را مهار کرد و در کنار یکدیگر به آرامش برسند، این آرامش نتیجه ارضای صحیح گرایش‌های انسان است. آرامش انسان مقدمه حرکت او به سوی کمال است و آرامش و سلامت اخلاقی جامعه در گرو سلامت و آرامش آحاد آن است.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم / ۲۱): و از نشانه‌های او اینکه از اینک از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است.

خداوند به مسلمانان سفارش می‌کند که به خاطر ترس از فقر و تنگدستی، از ازدواج خودداری نکنند. زیرا خداوند بعد از ازدواج از فضل خود آنها را بی‌نیاز خواهد نمود.

وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (نور / ۳۲) بی‌همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست.

اما اگر مقدمات ازدواج برای بعضی از مؤمنان فراهم نشد باید عفت پیشه کنند.

وَلَيْسَتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَمَا بُوِئْتُمْ بِهِمْ إِنَّ عِلْمُكُمْ فِيهِمْ خَيْرٌ وَأَتَوْهُم مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّبَتُّغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ. (نور / ۳۳) و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند. و از میان غلامانتان، کسانی که در صددند با قرارداد کتبی، خود را آزاد کنند، اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می یابید، قرار باز خرید آنها را بنویسید، و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند]، و کنیزان خود را- در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند- برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویند، به زنا وادار مکنید، و هر کس آنان را به زور وادار کند، در حقیقت، خدا پس از اجبار نمودن ایشان، [نسبت به آنها] آمرزنده مهربان است.

فرد سالم دچار هرزگی و بی عفتی نمی شود. در دوران مجردی موضوع جنسی را امر مقدس می شمارد و تا زمان ازدواج آن را حرمت داشته و از استفاده نابجای آن پرهیز می کند و در دوران تأهل، در کنار همسرش آرامش می یابد. (فهیمی، علی نقی، ۱۳۸۴: ۹۳)

دامن زدن مستمر زنان به برهنگی، آرایش و عشوه گری سبب تحریک غریزه جنسی در مرد نمی شد و که این امر در صورت ادامه، بیماری های روحی و جسمی فراوانی را در انسان به وجود می آورد. با افزایش برهنگی، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در جامعه زیاد می شود و از دردناکترین پیامدهای بی حجابی گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع است. برهنگی سبب ابتدال زن و سقوط شخصیت او می شود (رشیدی، حسین، ۱۳۸۵: ۱۳).

اصولاً حیا و عفاف برای یک دختر، امری فطری و طبیعی است و انجام هر نوع کاری که روح عفت و حیا را در او ضعیف سازد بر خلاف فطرت است. (سبحانی، جعفر، ۱۳۸۲: ۵،

ج ۱۲)

در آیه ۲۶ سوره نور خداوند یک خانواده ایده آل را این گونه معرفی می نماید:

الْحَبِيثَاتُ لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (نور/۲۶) زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید و زنان پاک برای مردان پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک. اینان از آنچه در باره ایشان می‌گویند برکنارند، برای آنان آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.

امام صادق برای تشکیل یک خانواده سالم سه صفت را برای مرد، بیان می‌فرماید: ۱- معاشرت خوش، یعنی با زبان خود تند خوبی نکند؛ ۲- از لحاظ مخارج بر خانواده خود تنگ نگیرد؛ ۳- صفت غیرت و مردانگی است که باید در مرد باشد تا بتواند ناموس خود را در عفت و پاکدامنی به بهترین [شیوه] محافظت کند، و او را طوری نگه دارد که از دژ عفت و پاکدامنی و نجابت خارج نشود (صدر، رضا، بی تا: ۲۲۱).

برخورداری از آزادی

دستور خدا به پیامبر (ص) برای مشورت با مؤمنان و نظر خواستن از آنان مستلزم این است که مردم در بیان و دیدگاه و اظهار نظر آزادند. لازمه امر به احتیاج و مجادله، آزاد بودن اظهار نظر است.

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسَلَمْتُمْ فَإِنْ أَسَلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ. (آل عمران/۲۰)
(پس اگر با تو به محاجّه برخاستند، بگو: «من خود را تسلیم خدا نموده‌ام، و هر که مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است].» و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو: «آیا اسلام آورده‌اید؟» پس اگر اسلام آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند، و اگر روی برتافتند، فقط رساندن پیام بر عهده توست، و خداوند به [امور] بندگان بیناست.

ادیان الهی همواره جامعه انسانی را به مسیر تعالی و رشد و توسعه فرا می‌خوانند و کثری‌های وسیع و خطرناک را هشدار می‌دهد. و اصل توحید در اسلام، به معنای رهایی و آزادگی و شکستن قیود و زنجیرها و باز کردن راه تکامل به سوی آستان الهی است و یکی از

اهداف بعثت پیامبران، همانا رهایی انسان از بردگی و اسارت بوده است و در دنیای کنونی - که انسان گرفتار انواع اسارت‌های ظاهری و (باطنی مانند اسارت تبلیغاتی) شده - بیش از پیش به آزادگی و دین آزادگان نیازمند است. (خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۸۲: ۲۶۹)

قرآن کریم هدف از بعثت حضرت رسول اکرم (ص) را آزاد کردن مردم از انواع نوع‌ها و زنجیره‌های دوره جاهلیت ذکر می‌کند.

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا مَرْهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (اعراف/۱۵۷) همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است، برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.

در قرآن درباره آزاد بودن مباحث کلامی و مناظره‌های دینی آمده است:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ. (نحل/۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما. در حقیقت، پروردگارت تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر، و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است.

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَانزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. (عنکبوت / ۴۶) و با اهل کتاب، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله نکنید - مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند - و بگویید:

«به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوردیم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویم».

و اما درباره آزادی اجتماعی آیات زیر بر آن دلالت دارند.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. (آل عمران / ۱۵۹) پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. (شوری / ۳۸) و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.
إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا. (انسان / ۳) ما راه را بدو نمودیم یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار

بنابراین یکی از هدف های دین ها باید این باشد که ما را یاری و راهنمایی کنند که آزادی گزینش - این نعمت پر بهایی را که خدا به ما داده است - هر چه بهتر به کار بندیم.
دین ها یک «طناب راهنما» دارند که ما را در گزینش هامان یاری می کند، و آن بیان خواست خداست از بندگانش. (میشل مالرب، ۱۳۷۹: ۴۳۹).

طبق سخنان خداوند در قرآن آزادی باید شرایطی داشته باشد از جمله:

- لزوم رعایت عدل و انصاف در سخن

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

- آزادی گفتار، محدود به پرهیز از کاربرد کلمات مورد سوء استفاده دشمنان
یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (بقره /
۱۰۴)

- بد زبانی و افشای عیوب دیگران، تجاوز از حدود آزادی و سبب ناخشنودی
لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (نساء / ۱۴۸)
- محدود به پرهیز از سخنان بی اساس و دروغ
ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ
فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (حج / ۳۰)

کارکرد اجتماعی دین در عهد جدید

تقدیس ازدواج

مسیحیت با معرفی ازدواج به عنوان یکی از آیین های مقدس و شعائر دینی، جایگاهی خاص برای ازدواج قائل است. در الاهیات مسیحی شعائر دینی آدابی هستند که به واسطه‌ی آن‌ها فیض خداوند از طریق نامرئی به انسان می‌رسد (مولند، ۱۳۸۱: ۳۷).
از نظر تاریخی، مدرک ازدواج به عنوان یک آیین مذهبی، به کتاب مقدس برمی‌گردد که از آن به «سر عظیم» تعبیر می‌کند. سر عظیم به ارتباط میان زن و شوهر اشاره دارد. زندگی زناشویی صفت شعاری خود را از این عقیده گرفته است که نمونه‌ای زمینی از یک حقیقت آسمانی است. (همان ص ۸۰) بر این اساس، ازدواج در مسیحیت یک پدیده طبیعی و صرفاً عملی دنیوی و انسانی تلقی نمی‌شود؛ بلکه جایگاهی آسمانی و برتر از حیات دنیوی دارد. شاید بتوان گفت که ازدواج در مسیحیت تنها برآورنده نیازهای مادی نیست و به قصد رسیدن به این هدف یا به منظور تأمین اغراض دنیوی - تا چه رسد به اهداف غریزی و حیوانی - انجام نمی‌پذیرد. (مک آفی برون، ۱۹۲۰م: ۲۸۵)

ازدواج اتحادی دایم و ناگستنی

مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه‌ی آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح به شاگردانش قرار دهند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند. (میشل، ۱۳۷۷: ۹۵) در مسیحیت، دو عنصر ماهیت ازدواج را فراهم می‌آورد؛ قداست آسمانی و الهی و ناگستنی بودن پیمان منعقد شده. در انجیل متی پیرامون طلاق چنین آمده است: هر کس زن خویش را بدون آن که خیانت از وی دیده شود، طلاق دهد و آن زن هم دوباره شوهر کند، آن مرد مقصر است، چون باعث شده، زنش زنا کند و مردی هم که با این زن ازدواج کرده، زناکار است. ازدواج تنها راه مقبول و مورد پذیرش جهت فراهم نمودن زمینه رشد اجتماعی بشری و سالم نگهداری آن از آفات مرتبط با غریزه جنسی است (سلیم سالم، ۲۰۰۴م: ۱۶۳ - ۱۸۳).

تجرد عامل تقرب به خدا

اگرچه ازدواج در مسیحیت پدیده‌ای مقدس محسوب شده و سرّ عظیم نامیده می‌شود، اما در برابر آن عزوبت و تجرد و دوری گزیدن از ازدواج امری پسندیده‌تر است. شخص مجرد، با تمام توان به خدمت خداوند می‌رسد و با کم کردن مشغله‌های دنیوی و زندگی، خود را شبیه عیسی (ع) و مریم مقدس (ع) می‌سازد. (پطرس، ۱۸۸۲م: ۳۴۵) بنابر دیدگاه انجیل، ازدواج تنها وسیله‌ای جهت دفع شهوت و جلوگیری از معصیت است و خود ارزشمند نیست. اگرچه از ازدواج به عنوان آیین مقدس یاد می‌شود، ولی این قداست ذاتی ازدواج نیست؛ بلکه نگاه به ازدواج به عنوان وسیله‌ای جهت حفظ پاکی و تامین نیازهای جسمی است. لذا در صورت آلودگی به حرام، ازدواج مستحب می‌شود و گرنه اگر کسی بتواند شهوت خود را کنترل کند، بهترین عمل عزوبت، بتولیت و عدم ازدواج است. (سکری سرور، بی تا: ۶۸)

در این رابطه به بعضی از بیانات «پولس» اشاره می‌شود:

اما درباره آن چه به من نوشته بودید، مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند؛ لکن به سبب زنا هر مرد زوجه خود را بدارد، ... به مجردین و بیوه زنان می‌گویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند، اگر پرهیز ندارند، نکاح کنند؛ زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است. «(رساله اول پولس به قرنتیان، ۱۰/۷-۱) شخص مجرد در امور خداوند می‌اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید و صاحب زن در امور دنیا می‌اندیشد که چگونه زن خود را خوش سازد (همان: ۳۲-۴۰). به بیان دیگر، از باب جمع بین ارزش بودن رهبانیت و ضرورت حفظ خود از گناه، ازدواج با یک نفر مباح دانسته شد؛ یعنی روی آوری به ازدواج فقط برای پاسخ به ضرورتی است که از راه عزوبت نمی‌توان آن را فراهم نمود؛ چه گزینه اول عزوبت است؛ لذا در بهره‌مندی از ازدواج باید به قدر ضرورت اکتفا نمود؛ چرا که ازدواج راه فرار از آتش هوس دانسته شده است، (رک. رساله اول پولس به قرنتیان، ۱۰/۷-۱) نه مسیر رسیدن به ملکوت و آدمی برای فرار از آتش خلق نشده بلکه برای رسیدن به کمال - ملکوت - به دنیا آمده است. بر این اساس، در این مسیر فرعی یعنی ازدواج دیگر تعدد و تجدید راه ندارد و برای هیچ‌یک از زن و مرد ازدواج مجدد ممکن نیست؛ مگر آن که یکی از دو زوج بمیرد و طلاق در صورتی ممکن می‌شود که یکی از دو زوج از مسیحیت خارج شود. (شبللی، ۱۹۹۳م: ج ۲، ص ۱۹۸) با عنایت به این سخن، مقدس شمردن ازدواج در مسیحیت هرگز به معنای ارزش ذاتی ازدواج نیست. ارزش ذاتی و اساسی برای عزوبت است و چون با عزوبت می‌توان به ملکوت رسید نه با ازدواج، ازدواج وسیله‌ای است جهت فرار از آتش هوس نه تأمین اهداف عالی و لذا عزوبت انتخاب خواص و برگزیدگان است و عموم مردم چون از عزوبت عاجزند به ازدواج روی می‌آورند. فلسفه ازدواج در مسیحیت، حفظ پاکی و طهارت و نجات و رستگاری است.

در مسیحیت دو سطح از پاکی مورد نظر است: ۱- پاکی از زنا و روابط جنسی نامشروع؛ ۲- پاکی از ارتباط با جنس مخالف؛ هر چند در قالب آیین مذهبی و شعائر دینی همانند ازدواج صورت گیرد. مقصود اولی و اساسی در دیدگاه مسیحیت، تأمین و حفظ پاکی نوع دوم است. لذا کسی که بتواند خود را بر اساس تعریف دوم، از آلودگی و ناپاکی مصون بدارد و پاکی

نوع دوم را برای خود فراهم آورد، هرگز نباید به سراغ ازدواج برود. این گروه که از دیدگاه مسیحیت، انسان‌های برتر و برگزیده تلقی می‌شوند، نیازمند ازدواج نیستند و برای آنها ازدواج تشریح نشده و نخواهد شد تا از علل و فلسفه آن سخن گفته شود. ازدواج برای افرادی تشریح شده و می‌شود که نمی‌توانند پاکی نوع دوم را برای خود فراهم آورند. از این رو به کشیشان - به عنوان برگزیدگان - حق ازدواج داده نمی‌شود. چه دادن حق ازدواج به کشیشان، سبب تصفیه اخلاق عمومی خواهد شد. (دورانت، ۱۳۷۳: ج ۶: ۲۶). بنابراین، ازدواج در مسیحیت، بعد از ناتوانی از تأمین پاکی نوع دوم تشریح شده است و فلسفه آن، حفظ و تأمین پاکی نوع اول است تا انسان‌ها به زنا و روابط نامشروع مبتلا نشوند. از این رو، بعد از منع کشیشان از ازدواج می‌گویند، صیغه‌گیری کشیشان، شورش به جا و بر حق، علیه این قانون سخت و خشن است. (همان: ۲۶-۲۷) به بیان دیگر، در مسیحیت ازدواج به خودی خود مطلوب نیست و انتخاب و گزیده اول مسیحیت نمی‌باشد تا برای خود ازدواج به عنوان ازدواج، فلسفه بیان شود؛ بلکه عزوبت و مجرد که نقطه‌ی مقابل ازدواج است، گزیده‌ی نخست مسیحیت است. در مفهوم شعائر چنین می‌گویند: شعائر جهت رسیدن فیض خداوند به انسان از طریق نامریی هستند؛ یعنی این شعائر کمک خداوند که برای نجات بشر لازم هستند را به وجود می‌آورند. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۳۱۵) ازدواج که یکی از این شعائر می‌باشد، از این قاعده خارج نیست. لذا مسیحیان معتقدند، شعائر برای نجات و رستگاری ضروری هستند. البته در نحوه‌ی تأثیر این شعائر در رستگاری، اختلاف نظر دارند. کاتولیک‌ها می‌گویند: بدون بهره‌مندی از این شعائر، نجات برای هیچ‌کسی ممکن نیست و برای رسیدن انسان به نجات و رستگاری تشریح شده‌اند؛ ولی پروتستان‌ها تأثیر این شعائر را در حد به نمایش در آوردن رستگاری و نجات می‌دانند یا آنها را در صحنه گذاردن بر نجات و رستگاری موثر می‌دانند و عامل اصلی را اراده‌ی خداوند می‌شمارند (مک آفی برون، ۱۹۲۰م: ۲۸۶).

در هر حال، ازدواج برای تأمین نجات و رستگاری انسان‌ها آورده شده است؛ چه انسان خود این تأثیر را به دست خود فراهم آورد یا با وسیله سازی از خداوند بخواهد که این موهبت را به وی عطا کند.

تشکیل خانواده

یکی از اهداف ازدواج از دیدگاه مسیحیت و در عهد جدید، تشکیل خانواده است. مسیحیت برای بقای نسل، تنها به قوانین ازدواج اهتمام ندارد؛ بلکه استمرار نسل و آیین مسیحیت را در تولید فرزندان و در فضای خانواده می‌جوید. بر این اساس مسؤولیت پرورش نسل را به آن می‌سپارد. تربیت نسل، وظیفه‌ی خانواده و حق اجتماع است. در خانواده باید تعاون و همکاری در تمام شئون حیات، حاکمیت داشته باشد تا بتواند در پرورش نسل موفق باشد. ازدواج هسته اصلی تشکیل خانواده است و خانواده نیز از دیدگاه‌های مختلف تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و ... اهمیت دارد. (منصور، ۱۹۹۹م: ۱۵۸-۱۵۷). بنابر دیدگاه مسیحیان کاتولیک، نه تنها به دنیا آوردن فرزند، بلکه حق اساسی و وظیفه تربیت و تعلیم شایسته آنها از خصوصیات و اهداف ازدواج است. (برانتل، ۱۳۸۱: ۲۴۲).

از اساسی‌ترین اهداف آن، پیدایش فرزندان شایسته و برخوردار از نسل پاک و پارسا است. تنها راه پیدایش نسل پاک و شایسته، ازدواج و تشکیل خانواده است (سکری سرور، بی تا: ۹۲) یا زوجین هر دو باید مسیحی و از یک مذهب باشند و اختلاف مذهب زن و شوهر، یکی از موانع ازدواج به حساب می‌آید. (مولند، ۱۳۸۱: ۱۲۳) «مقصود خداوند برای زوج ازدواج کرده این بود که با تولید نسل، فرزندان زیاد شوند.» (متی ۶-۴: ۱۹) مسیحیت به تکثیر نسل اهتمام جدی دارد و از محدود کردن آن امتناع می‌ورزد. ازدواج برای سلامت امت مسیح، لازم است و دلیل بر ایمان به خدا و اعتقاد به عنایت خداوند و سبب جلب خوشحالی خانواده می‌شود؛ (شبلی، ۱۹۹۳م: ج ۲، ۱۹۷) از دیدگاه مسیحیت، ارتباطی که دو زوج در ازدواج با یکدیگر برقرار می‌کنند، عمیق‌ترین رابطه‌ای است که دو انسان می‌توانند با همدیگر برقرار کنند. (استات، بی تا: ۴۲) اهتمام مسیحیت به این هدف، آن قدر زیاد است که هر گونه عملی که

منجر به گسستن پیمان ازدواج شود، محکوم شده است. لذا به هیچ وجه جدایی، طلاق و تعدد زوجات را تجویز نمی‌کند و آن‌ها را از محرمات می‌شمارد. به عنوان نمونه، در زمان «پیوس یازدهم»، سقط جنین، جلوگیری از بارداری و طلاق که به عنوان عوامل سست کننده ازدواج تلقی می‌شوند، محکوم شد. (زیبایی نژاد، ۱۳۷۵: ۱۲۶) افزون بر توصیه‌های اکید دینی در مراسم ازدواج نیز، کشیش کلماتی را تکرار می‌کند که به این پیوند استحکام می‌بخشد (کاکس، ۱۳۷۸: ۱۱۶).

برقراری عدالت اجتماعی

چون از دیدگاه کلی انجیل، همزیستی مسالمت آمیز اهمیت زیادی دارد، مسائل عدالت در مرکز وحی انجیل قرار دارد. در حقیقت کتاب مقدس - عهد جدید - در ابعادی وسیع و در تلاشی پی گیر با حق کشی و بی عدالتی در تاریخ بشری و روابط اجتماعی مربوط به آن نبرد می‌کند.

وحی عهد قدیم، در عهد جدید تفسیر و تکامل قطعی خود را می‌یابد. بخش‌های مهم عهد قدیم در عهد جدید مطرح می‌شوند و بر اساس رابطه خدا و عیسی مسیح از نو بر آن تاکید می‌شود. همبستگی خدا با بینوایان که در عهد قدیم از آن یاد شده، یکی از این گفتارهای اصلی است. در حالی که عیسی محبت سرشار خداوند را برای بینوایان اعلام می‌کند، خود را به عنوان «عادل» بشارت داده شده معرفی می‌کند، که زندگی‌اش کاملاً طبق فرمان و اراده خداوند، پدر، است.

تکرار تعبیر «من رحمت می‌خواهم نه قربانی» در بسیاری از جاهای کتاب عهد جدید، پیام پیامبرانه وحدت تفکیک ناپذیر پرستش خدا و نوع دوستی را بار دیگر به صورت یک موضوع، جمع بندی می‌کند و آن را پایه اخلاقی ایمان مسیحی می‌گرداند. (همان: ۳۲۵)

در عهد جدید در باب عدالت اجتماعی آمده است:

بحسب ظاهر داوری مکنید بلکه به راستی داوری نمایید. (یوحنا، ۷: ۲۴)

از آن جهت که شنوندگان شریعت در حضور خدا عادل نیستند بلکه کنندگان شریعت عادل شمرده خواهند شد. (رساله پولس رسول به رومیان، ۱۳:۲)

همچنان که اعضای خود را بندگی نجاست و گناه برای گناه سپردید، همچنین الآن نیز اعضای خود را به بندگی عدالت برای قدوسیت بسپارید. (رساله پولس رسول به رومیان، ۱۹:۶)

زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را با ظلمت چه شراکت است؟ (رساله دوم پولس رسول به قرنتیان، ۱۴:۶)

کمر خود را به راستی بسته و جوشن عدالت را دربر کرده، بایستید. (رساله پولس رسول به افسسیان، ۱۴:۶)

پر شوید از میوه عدالت که بوسیله عیسی مسیح برای تمجید و حمد خداست. (رساله پولس رسول به فیلیپیان، ۱۱:۱)

ای آقایان، با غلامان خود عدل و انصاف را بجا آرید، چونکه می دانید شما را نیز آقایانی هست در آسمان. (رساله پولس رسول به کولسیان، ۱:۴)

فیض خدا که برای همه مردم نجات بخش است ظاهر شده، ما را تأدیب می کند که بی دینی و شهوات دنیوی را ترک کرده با خرداندیشی و عدالت و دینداری در این جهان زیست کنیم. (رساله پولس رسول به تیطس، ۱۲:۲-۱۱)

هرگاه برای عدالت زحمت کشیدید خوشبحال شما. (رساله اول پطرس رسول، ۱۴:۳)

لکن عادل به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من با وی خوش نخواهد شد. (رساله به عبرانیان، ۳۸:۱۰)

لوط عادل را که از رفتار فاجرانه بی دینان رنجیده بود، رهانید، زیرا که آن مرد عادل در میانشان ساکن بوده از آنچه می دید و می شنید دل صالح خود را به کارهای قبیح ایشان هرروزه رنجیده می داشت پس خداوند می داند که عادلان را از تجربه رهایی دهد و ظالمان را تا به روز جزا در عذاب نگاه دارد. (رساله دوم پطرس رسول، ۲: ۹-۷)

عدالت خواهی در جایی مطرح می‌شود که یک وضعیت ناعادلانه معین و تاریخی، باید رفع شود، و ریشه این مساله در تصویر الهی از انسان قرار دارد که رعایت احترام و حقوق وی را ایجاب می‌کند. محتوای عینی عدالت تحت تغییر و تحول امکانات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز علمی - فنی و همچنین تحول دیدگاه تاریخی نسبت به آن تغییر می‌کند، (نظیر) آنچه گاهی انسانی و گاهی غیر انسانی تلقی می‌شود. یک مثال عمده بردگی است که در دوره های بزرگ تاریخی یک ضرورت اجتماعی و اقتصادی بود. (همان: ۳۲۶)

مقایسه

هر دو دین اسلام و مسیحیت ازدواج را به عنوان تنها راه دینی، مشروع و قانونی جهت برقراری روابط جنسی و پاسخ به نیازهای زیستی وابسته به غریزه جنسی و تولید نسل و تکثیر نوع بشر قبول دارند و معتبر می‌شمارند.

در بررسی جایگاه ازدواج، هر دو آیین به ازدواج به عنوان عملی مقدس نگاه می‌کنند. البته تعبیر آنها متفاوت است. اسلام از ازدواج به «پیمان مقدس» تعبیر می‌کند و مسیحیت از آن به عنوان «سر عظیم»، «پیمان عفت» و «آیین مقدس» یاد می‌کند و برخلاف اسلام که به تأهل اهمیت داده و تجرد را حالتی ناپسند و منفور در نزد خداوند می‌داند، از منظر مسیحیت، تجرد و عزوبت نسبت به ازدواج از جایگاه برتر و عالی تری برخوردار است. بر حسب این دیدگاه، رهبانیت روشی مبارک و پسندیده و یکی از نعمت‌های الهی و عطایای ربانی است و بسیاری از مؤمنین مسیحی به رهبانیت دعوت می‌شوند و در این سلک زندگی می‌کنند و خود را به نماز، دعا و ... مشغول می‌سازند و از زندگی با مردم و همراهی با آنها کناره می‌گیرند؛ اما در اسلام رهبانیت حرام شمرده شده و بدعت و عملی غیر الهی خوانده می‌شود.

اسلام و مسیحیت گرچه هر دو از حفظ پاکی سخن می‌گویند، ولی پاکی مورد نظر اسلام با پاکی مورد نظر مسیحیت کاملاً متفاوت است. در اسلام، هرگز پاکی به معنای پاسخ ندادن به ندای فطرت و ازدواج نکردن نیست؛ بلکه اسلام حتی ازدواج نمودن را هم پاکی و امتیاز می‌داند.

در این متن « من رحمت می خواهم نه قربانی » بشارت ویژه دیگری نیز از عیسی دیده می شود: انتقاد او از خود قانون. قوانین در حقیقت عطیه الهی و شرط ضروری برای زندگی اجتماعی منظم هستند، اما در مواردی آنها کارکردهای پیش بینی شده خود را نمی توانند حفظ کنند. نه فقط تخلف از قانون، بلکه اجرا و تایید آن بدون توجه به زمینه وضع و اجرای آن نیز ممکن است منشا بی عدالتی شود.

کوشش متون انجیلی این بود که وضع اجتماعی بردگان اصلاح شود، اما اصل نظام حقوقی بردگی را زیر سوال نمی بردند.

عدالت در اسلام از زیربنایی ترین مفاهیمی است که تحقق عینی آن در جامعه، یکی از مهم ترین اهداف اجتماعی و سیاسی این دین ذکر شده و از طرفی عدالت، امری تابع دین و برگرفته از آن نیست بلکه خود مفهومی مطلق و مستقل است. به بیان دیگر دین، مقیاس عدل نیست، بلکه عدل مقیاس دین است. در آیاتی که در قرآن آمده و بیان شده، نقش دین - که در آنها به برقراری عدالت میان انسان ها حکم شده - یافت می شود و آن اصل « عدالت گستری » و تشویق و سوق دادن انسان ها به « عدالت گروی » است.

آن چه به عنوان تشابه این دو دین مطرح می شود این است که اساس تعلیم انبیا وادیان، ابتدا تربیت فرد فرد انسان هاست؛ چرا که اگر تک تک انسان ها اصلاح شوند، جامعه نیز خود به خود اصلاح خواهد شد.

منابع

- ۱- قرآن (با ترجمه محمد مهدی فولادوند)
- ۲- کتاب عهد جدید (با ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷، چاپ دوم)
- ۳- استات، جان: «مبانی مسیحیت»، روبرت آسریان، انتشارات حیات ابدی، بی تا. ۴- اهوازی، حسین بن سعید، کتاب المؤمن، مدرسه امام هادی (ع)، چاپ اول
- ۵- با هنر، محمد جواد، دین شناسی تطبیقی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۱
- ۶- برانتل، جورج: «آیین کاتولیک»، حسن قنبری، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱

- ۷- پطرس، فرماج: «ایضاح التعليم المسيحي»، مطبعة الابهاء المرسلين اليسوعيين، ۱۸۸۲م
- ۸- الحر العاملي، محمد بن حسن: «وسائل الشيعه»، لبنان، دارالاحياء التراث لبنان، ۱۴۰۳ق
- ۹- خسرو پناه، عبدالحسين، انتظار بشرازدین، ص ۲۶۹، مؤسسه فرهنگي دانش و اندیشه مقاص، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۱۰- دورانت، ویل: «تاریخ تمدن»، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۳
- ۱۱- رشیدی، حسین، حریم عفاف، انتشارات را زبان، چاپ سوم، ۱۳۸۵
- ۱۲- زیبایی نژاد، محمد رضا: «در آمدی بر تاریخ و کلام»، انتشارات اشراق، ۱۳۷۵.
- ۱۳- زیبایی نژاد، محمد رضا: «مسیحیت شناسی مقایسه‌ای»، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲
- ۱۴- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، مؤسسه امام صادق، چاپ دوم، ۱۳۸۲
- ۱۵- سکری سرور، محمد: «نظام الزواج فی الشرايع اليهودية و المسيحية»، دارالفکر العربی، بی تا
- ۱۶- سلیم سالم، غسان: «محاویر الاتقاء و محاویر الافتراق بین المسيحية و الاسلام»، دارالطلیة ۲۰۰۴م
- ۱۷- شبلی، احمد: «مقارن الادیان»، قاهره، مکتبه النهضة المصریة، ۱۹۹۳م
- ۱۸- شریف القریشی، باقر، نظام تربیتی اسلام، انتشارات فجر، چاپ اول ۱۳۶۲. ه. ش
- ۱۹- صدر، رضا، استقامت، انتشارات روزبه با همکاری کتابخانه بزرگ اسلامی، بی تا،
- ۲۰- علامه طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، طهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۶. ه. ق
- ۲۱- فهیمی، علی نقی، بهداشت و سلامت روان در آتیه علم و دین، چاپ قدس، مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی، چ اول، ۱۳۸۴
- ۲۲- کاکس، هاروی: «مسیحیت»، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸
- ۲۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳. ه. ق
- ۲۴- مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، انتشارات صد را چاپ نهم، ۱۳۷۰، ص ۱۸
- ۲۵- مک آفی برون، رابرت: «روح آیین پروتستان»، فریبرز مجیدی، انتشارات نگاه معاصر، ۱۹۲۰م
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، چاپ اول
- ۲۷- ملکم، همیلتون، جامعه شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات تبیان، ۱۳۷۷ ش
- ۲۸- منصور، محمدحسین: «احکام الاسره المطبقة علی المسیحین المصریین»، دارالمطبوعات الجامعیة، ۱۹۹۹م

۲۹- مولند، اینار: «جهان مسیحیت»، محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، انتشارات امیرکبیر،

۱۳۸۱

۳۰- میشل، توماس: «کلام مسیحی»، حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷

۳۱- میشل مالرب، ترجمه مهران توکلی، انسان و ادیان: نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، چاپ

اول، تهران، نشر نی ۱۳۷۹

۳۲- نجفی علمی، محمد جعفر، برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، تهران، سازمان چاپ

و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بخش تجربی

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی